



The Realm of Unseen Knowledge from the Perspective of the Traditions of Prophets and Imams

Akbar shahbazi^{a*}, Alireza Abdolrarimy^b, Faraj Behzad Vakilabad^c

^a PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran

^b Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran

^c Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ardebil Branch, Islamic Azad University, Ardebil, Iran

KEYWORDS

the realm of unseen knowledge, the unseen knowledge of the Prophet (PBUH), the unseen knowledge of the infallible imams (PBUH)

Received: 15 November 2024;
Accepted: 02 March 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2045838.1066

ABSTRACT

The axis and orbit of monotheistic religions, God and His attributes including the knowledge of the unseen, which is a fundamental belief in these religions. Moreover, the knowledge of the unseen is one of the components of belief in prophethood and, consequently, one of the components of Imamate among the Shiite. Accordingly, the present study aims to study the realm of the unseen from the perspective of hadiths. In this research, an attempt is made to study the subject through descriptive and analytical methods using library research. The investigations showed that the primary point of disagreement among scholars with different approaches is whether the unlimited (absolute) knowledge of the unseen, which is exclusive to God, can be granted to the prophets and Imams or not. There are two viewpoints: The first opinion suggests that by divine permission, the unlimited and absolute divine knowledge can be granted to entities other than God. Accordingly, it should be acknowledged that the works so far dealing with the knowledge of the Imam have been viewed with this approach. That is, they have mostly relied on the extensive hadiths found in hadith collections and either have advocated for absolute knowledge or argued for the generality of the Imam's knowledge. The latter interpretation has been more prevalent among Imami narrators, theologians, and jurists in recent times. But contrary to the first opinion, the second opinion limits the knowledge of the unseen of the Prophet (PBUH) and the Imam (AS).

* Corresponding author.

E-mail address: shahbazi1717@gmail.com

©Author





قلمرو علم غیب پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) از منظر روایات

اکبر شهبازی^{الف*}، علیرضا عبدالرحیمی^ب، فرج بهزاد وکیل آباد^ج

^{الف} دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، shahbazi1717@gmail.com

^ب استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، abdorrahimy.ar@gmail.com

^ج استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران، behzad.phd@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
قلمرو علم غیب، علم غیب پیامبر(ص)، علم غیب امامان معصوم(ع)	محور و مدار ادیان توحیدی، خدا و اوصاف او از جمله علم غیب است که این امر باوری بنیادین در این ادیان به شمار می‌رود. گذشته از این، علم غیب از مقومات باور به نبوت و به دنبال آن نزد شیعیان از مقومات امامت محسوب می‌شود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی قلمرو علم غیب پیامبر و امامان از منظر روایات است. در این پژوهش سعی است به روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری از طریق کتابخانه به بررسی موضوع پرداخته شود. بررسی‌ها نشان داد آنچه بیشتر علما با رویکردهای متفاوت بر سر آن اختلاف کرده‌اند این است که آیا علم غیب نامحدود (مطلق) که اختصاص به خداوند دارد در اختیار انبیاء و ائمه قرار می‌گیرد یا نه؟ دو قول وجود دارد: در قول اول، عده‌ای می‌گویند به اذن الهی علم نامحدود و مطلق الهی می‌تواند در اختیار غیر خداوند هم قرار گیرد. درباره نگاه گروه اول باید اذعان کرد آثاری که تاکنون درباره علم امام تهیه و تدوین شده، با این رویکرد بوده است؛ یعنی بیشتر با توجه به روایات گسترده‌ای که در مجامیع روایی آمده استناد کرده‌اند و یا قائل به علم مطلق شده‌اند یا اینکه قائل به عمومیت علم امام شده‌اند که این برداشت دوم از قول اول نظر غالب محدثان، متکلمان و فقهای امامیه در دوران اخیر است؛ اما قول دوم برخلاف قول اول، علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) را محدود می‌داند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

اعتقاد به غیب در کنار اعتقاد به شهادت در ادیان آسمانی مطرح شده و پایه و اساس ادیان الهی همان اعتقاد به غیب است؛ مثلاً ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، روز قیامت، بهشت و جهنم و لقاءالله، زندگی پس از مرگ، برانگیخته شدن نشور، نفخ صور، حساب، حوریان، قصرهای بهشتی و چیزهایی که در آن روز واقع می‌شوند که همه در ادیان آسمانی جزء غیب به شمار می‌آیند. در این پژوهش از این نظر درباره غیب بحث می‌شود که علم غیب یعنی آگاهی بر چیزهایی که بیرون از دید و حواس ظاهری ما قرار دارند خواه مربوط به حوادث کنونی یا آینده باشد، حقیقتی است که همانند آگاهی بر امور ظاهری برای افراد بشر ممکن و مقدور است. هیچ مانعی وجود ندارد که خداوند برخی بندگانش را از علم غیب، علم ماکان و مایکون آگاه کند چنانچه هیچ مانعی ندارد که خداوند به

بعضی از آن‌ها از علمش عطا کند تا ابراهیم‌وار ملکوت آسمان‌ها و زمین را ببیند.

در این‌گونه موارد تصور این‌که بنده با خدا شریک در علم غیب است وجود ندارد؛ زیرا علم غیب ذاتی و مطلق بدون مقید به کم و کیف از صفات ذاتی الهی است ولی این علم بشری از لحاظ کیف و کم محدود و عرضی است؛ پس قلمرو علم غیب بالذات از آن خداست و بالعرض شامل انبیا و اولیا است. علم غیب از اصول موضوعه ادیان الهی است اما قلمرو آن از مقولات بحث‌انگیز و جنجالی دانش کلام است، بر اساس ادیان الهی حضرت حق، به قدر سعه وجودیه خود عالم علی‌الاطلاق بر جمیع امور اعم از شهود و غیب است و برگزیدگان الهی جهت تکمیل مقام رهبری الهی که جهانی و همگانی در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است، نیاز به آگاهی بر اسرار جهان هستی و ساختمان بشر و حوادث آینده و گذشته دارند، لذا خداوند بخشی از اسرار غیب را در اختیار آن‌ها قرار داده است.

دلایل نقلی و عقلی و مبانی فلسفی آگاهی از غیب را برای آن‌ها اثبات می‌کند و دانشمندان با تکیه به این ادله مسئله را تجزیه و تحلیل نموده‌اند؛ اما در مقابل برخی با پندار غلط اعتقاد به آگاهی از غیب برگزیدگان الهی را مستلزم شرک به خدا در صفت علم غیب و تحدید دانش او و محدود کردن صفات دانسته‌اند. از جمله روایاتی که متضمن علم غیب نسبت به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است روایاتی است که می‌توان یک جامع اشتراک معنوی برای آن‌ها فرض کرد و آن سیر باطنی در اشیا و دریافت حقایق از جهان غیب است که از حدود و آگاهی عادی بشر خارج است و باید به تعلیم الهی صورت گیرد، این روایات انواع مختلفی دارند؛ قسمتی تحت عنوان علم به ملکوت جهان، قسم دیگر با عنوان دریافت حقایق به الهام و قذف در قلب و نقر در گوش، گروه دیگر با عنوان روایات روح القدس و بالاخره آخرین نوع روایات سفر معراج و مشاهده آیات بزرگ الهی.

موضوع این پژوهش از مقولات بحث‌انگیز دانش کلام در روایات است اما در طول قرون و اعصار متمادی گذشته تاکنون به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است و اگر هم بحث در مورد آن شده در لابه‌لای مطالب علم غیب مطرح گشته است. در این پژوهش سعی است به روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری از طریق کتابخانه به بررسی قلمرو علم غیب از منظر روایات پرداخته شود.

۲. علم غیب پیامبر و امام از منظر متکلمان

معتزلیان علم غیب را فقط در مورد پیامبران پذیرفتند، درباره غیر پیامبران بر این باور بودند که دلیلی یا جایگزین دلیل عقلی بر غیب‌دانی آنها نمی‌توان ارائه کرد علاوه اینکه با صراحت با غیب‌دانی امام مخالفت کردند. اشاعره برخلاف معتزله غیب‌دانی بر غیر انبیاء را بلامانع دانستند، اگرچه مخالف باور امامیه درباره علم غیب امام هستند، غیب‌دانی ائمه (ع) به صورت غیرمستقیم در حد غیب‌دانی دیگر اولیا، الهی و انسانی که بر اثر جدوجهد خویش توانسته‌اند زمینه‌های دریافت از غیب را فراهم آورند، به اثبات می‌رسد. بنابراین از نظر مکاتب کلامی فوق علم غیب پیامبر (ص) مسلم و قطعی است، اما علم غیب امام بدان گونه که در باور شیعیان است قابل قبول نیست، پس از اینجا به بعد باید علم غیب را از نگاه متکلمان امامیه مورد بحث قرارداد.

۳. علم غیب پیامبر و امام از نگاه متکلمان امامیه

درباره علم غیب امام دو نگرش عمده در اظهارنظر متکلمان شیعی وجود دارد، یک نگرش علم غیب امام را نامحدود و نگرش دیگر محدود می‌داند.

درباره نگرش اول (نامحدود بودن علم غیب امام) مطالب دیگری قابل تذکر و تأمل است.

اول: با توجه به مسیر تاریخی و تطور علم غیب چنین استفاده می‌شود که این نگرش بیشتر در دوره‌های متأخر، از سویی تحت تأثیر حاکمیت مباحث عرفانی و فلسفی در حوزه‌های فکری شیعه شیوع پیدا کرده و از سوی دیگر به علت برخورد واکنشی اخباریان به عقل‌گرایی که در مورد مسائل کلامی و فقهی اظهارنظر می‌کردند بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت، در حالی که نزد اندیشمندان کلامی گذشته به‌عنوان یک اندیشه، سابقه نداشته است. بدین جهت در آثار کلامی گذشته، بحث علم غیب آن‌گونه که در آثار دوران متأخر مطرح شده مشاهده نمی‌شود و اخیراً این نگاه درباره علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) بر فضای ذهنی علما و دانشمندان شیعی با رویکردهای متفاوت حاکم شده است.

دوم: باید پذیرفت که این نگرش ابتدا با طوایفی از آیات و روایات مربوط به علم غیب سازگاری چندانی ندارد مگر اینکه با توجیه و تأویل این آیات و روایات بتوان به چنین باوری رسید.

سوم: باید توجه داشت که نگرش فراگیر و عامی که از ابتدای نضج‌گیری مباحث کلامی، یعنی پس از زمان غیبت امام عصر (عج) به بعد وجود داشته و مورد توجه متکلمان مانند شیخ مفید، کراجکی، سیدمرتضی علم الهدی، شیخ طوسی، علامه حلی و دیگران قرار گرفته، بحث در مورد محدود بودن علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) بوده است که حاصل شدن آن به اعلام الهی و مطلع شدن توسط وحی و الهام، از طرق منابع غیرعادی است که اراده غیبی و الهی در آن دخالت قطعی دارد. بنابراین اراده و خواست خداوند طبق دلالت آیات و روایات به آنچه بخواهد تعلق می‌گیرد و آنچه را که صلاح بداند در اختیار آنها قرار می‌دهد پس در این صورت اطلاق معنا پیدا نمی‌کند.

پس آنچه در اندیشه متکلمان درباره محدودیت علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) وجود دارد و پذیرفته شده است، این است که نباید چندان نظر افراطی داشت که علم امام و پیامبر را همانند و همسان علم خداوند دانست (بدون کم‌وکاست) تا ناچار شویم بخشی از آیات و روایات را با تأویل و توجیه سازگار نماییم و نه باید نظر تفریطی داشت که به انکار آنها بینجامد تا ناچار شویم در دلالت بخشی آیات و روایات خدشه وارد نماییم، زیرا هم راه تفریط با مشکلاتی مواجه است هم راه افراط. بنابر تعبیر شیخ مفید نه باید راه غلو را پیمود نه راه تقصیر. بنابراین با توجه به عقل و نقل، علم پیامبر (ص) و امام (ع) را فوق علم بشر و تحت علم خالق دانست که این راه میانه‌ای است که بسیاری از متکلمان امامیه از آن پیروی کرده‌اند و علم غیب امام را محدود دانسته‌اند. (نادم، ۱۳۹۵ ش: ۳۲۳-۳۲۶)

۴. مبانی نظری پژوهش

۴.۱. روایات علم به ملکوت جهان توسط پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

در روایات فراوانی وارد شده است که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) مانند حضرت ابراهیم (ع) به ملکوت عالم راه یافته و آن را مشاهده کرده‌اند؛ صاحب بصائر الدرجات، در باب بیستم، یازده روایت درباره رؤیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) ملکوت آسمان‌ها و زمین را نقل کرده است و برخی از این روایات از نظر سند صحیح است

اینک نمونه‌ای از این روایات:

صحيحه عبدالله بن مسكان: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ كَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ قَالَ كُشِطَ لِإِبْرَاهِيمَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ حَتَّى نَظَرَ إِلَى مَا فَوْقَ الْعَرْشِ وَ كُشِطَ لَهُ الْأَرْضُ حَتَّى رَأَى مَا فِي الْهَوَاءِ وَ فُعِلَ بِمُحَمَّدٍ ((ص)) مِثْلُ ذَلِكَ وَ إِنِّي لَأَرَى صَاحِبَكُمْ وَ الْأَيِّمَةَ مِنْ بَعْدِهِ قَدْ فُعِلَ بِهِمْ مِثْلُ ذَلِكَ. (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۷)

عبد الله بن مسكان از امام صادق (ص) نقل کرده است که آن حضرت درباره آیه «وَ كَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»^۱ فرمود: برای ابراهیم (ع) پرده‌ای از آسمان‌های هفتگانه برداشته شد به طوری که تا بالای عرش را به دقت نگاه کرد و نیز زمین‌های هفتگانه برای وی ظاهر گردید و برای محمد (ص) نیز چنین شد و من می‌بینم امام شما و امامان بعدی نیز این کار را درباره آنان عملی گشته است. بنابراین از این آیات و روایات دیگر استفاده می‌شود که خداوند ملکوت را به اصفیا و برگزیدگان خودش نشان داده است و دیدن ملکوت چیزی جز ارتباط با عالم غیب نیست.

۲.۴. روایات دریافت حقایق و القاء آن امور بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

در روایات فراوانی است که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) با پروردگار جهان ارتباط داشتند و حقایقی از جهان غیب بر قلب آن‌ها القا می‌شود و سخنانی از غیب به گوش آن‌ها می‌رسد که در اصطلاح روایات، این موضوع بنام الهام، قذف در قلب و نقر در گوش نامیده می‌شود.

روایت اول: در حدیث صحیحی حارث بن مغیره می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: علم عالم شما چگونه حاصل می‌شود؟ فرمود: از رسول خدا (ص) و علی (ع) به ما ارث رسیده است. گفتم: ما شنیده ایم که در قلب شما القا می‌شود و در گوش شما گویند؟ فرمود یا از این راه به دست می‌آید. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/۲۶۴)

روایت دوم: مفضل بن عمر می‌گوید: به موسی بن جعفر (ع) عرض کردم: از حضرت صادق (ع) برای ما روایت شده که فرموده است: علم ما سه نوع است؛ غایب (گذشته)، مزبور (ثبت شده)، نکت (انداختن) در قلوب و نقر (اثر کردن) در گوش‌هاست. فرمود: غایب عبارت است از علوم گذشته، مزبور عبارت است از علوم آینده، نکت در قلوب عبارت است از الهام و نقر در سماع دستور فرشته است. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/۲۶۵).

روایت سوم: حسن بن یحیی مدائینی به امام صادق (ع) می‌گوید: وقتی از امام چیزی سؤال شد چگونه جواب می‌دهید؟ فرمود: گاهی الهام می‌شود و گاهی از فرشته می‌شنود و گاهی هر دو. (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۲۱۷، حدیث ۵)

روایت چهارم: در روایت صحیح، محمد بن مسلم، از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: علی (ع) به کتاب و سنت پیغمبر (ص) عمل می‌کرد، هنگامی که مسئله تازه‌ای پیدا می‌شد که در کتاب و سنت وجود نداشت، خداوند، حق را به آن حضرت الهام می‌کرد، این موضوع به خدا سوگند یکی از مشکلات است. (همان: ۲۳۴، حدیث ۹)

روایت پنجم: در روایت صحیح صفوان بن یحیی می‌گوید: از موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمود: امام باقر (ع)

^۱ - انعام / ۷۵. و این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آن‌ها) را به ابراهیم نشان دادیم (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد.

فرمود: اگر بر علم ما اضافه نمی‌شد، تمام می‌شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ش: ۲۵۴/۱)

روایت ششم: روایت صحیحی از ذریح محاربی که می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای ذریح اگر بر علوم ما افزوده نشود تمام می‌شد. (همان)

روایت هفتم: در روایت صحیحی زراره گوید: شنیدم: امام باقر (ع) می‌فرمود: اگر افزایش علمی پیدا نکنیم بی‌علم بمانیم. عرض کردم آیا به علم شما چیزی اضافه می‌شود که پیغمبر (ص) آن را نمی‌دانست؟ فرمود: اگر بنای افزایش علم باشد، اول آن به پیغمبر (ص) عرضه می‌شود، سپس به امامان یکی پس از دیگری تا به ما برسد. (همان: ۲۵۵)

روایت هشتم: در روایت موثق آمده است که ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: شبانه‌روز به علم ما افزوده می‌شود، اگر غیر از این بود علوم ما تمام می‌شد، ابو بصیر عرض کرد: فدایت شوم، چه شخصی بر شما نازل می‌شود؟ فرمود: بعضی از ما فرشته را مشاهده می‌کند، بعضی از ما مطالب در قلبش الهام می‌شود و بعضی هم با گوش صدای فرشته را مانند صدای طشت می‌شنود. ابو بصیر گفت: فدایت شوم، چه کسی مطالب را برای شما می‌آورد؟ فرمود: یکی از مخلوقات خدا که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است. (صفار، ۱۴۰۴، ق: ۲۳۲)

بنابراین از این روایات و ده‌ها روایت مانند این‌ها چنین استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) با پروردگار جهان و عالم غیب ارتباط داشتند و از این راه حقایقی را دریافت می‌کردند. خداوند متعال به واسطه بعضی از فرشتگان به آنان الهام می‌کرد و بدان وسیله علوم و کمالات و حقایقی را بر آنان افزوده می‌نمود.

۵. روایات ارتباط پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) با علم غیب با القای روح القدس

روح القدس نیروی مرموز غیبی خاصی بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) بوده است و این روح مقدس و پاک الهام‌بخش بزرگی برای آن‌ها است و روایات فراوانی است که آن‌ها با این روح با عالم غیب ارتباط داشتند و حقایق بسیاری را درک نموده‌اند. اینک نمونه‌ای از این روایات:

روایت اول: در حدیث صحیحی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که اسباط یکی از اصحاب آن حضرت سؤال کرد: آیا شده است که از چیزی سؤال کنند و علم آن نزد شما نباشد؟ امام (ع) فرمود گاه چنین بوده است، راوی عرض کرد: در این هنگام چه می‌کنید؟ امام (ع) فرمود: روح القدس به ما تلقین می‌کند. (صفار، ۱۴۰۴، ق: ۴۵۱/۱)

روایت دوم: موثقه عمار سباطی است که گوید: به امام صادق (ع) گفتم: شما اگر حکم روا شوید چه حکمی می‌کنید؟ فرمود: به حکم خدا و حکم داود چون موضوعی به ما مراجعه شود که حکم آن نزد ما حاضر نباشد روح القدس آن را به ما القاء می‌کند. (کلینی ۱۳۶۵، ش: ۳۹۸/۱)

روایت سوم: جابر (یکی از یاران امام باقر (ع) است) می‌گوید: از امام باقر (ع) درباره علم عالم (مقصود پیغمبر و امام معصوم است) پرسیدم، به من فرمود: ای جابر، در انبیاء و اوصیاء پنج روح است: روح القدس، روح ایمان، روح حیات، روح قوت و روح شهوت. پس افزود ای جابر، آن‌ها به وسیله روح القدس از آنچه زیر عرش تا زیر زمین است آگاه می‌شوند. (همان: ۲۷/۱)

روایت چهارم: در روایتی با سند معتبر از امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا

كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَا نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا» ۲ چنین نقل شده: از آن زمان که خداوند آن روح را بر پیامبرش نازل کرد به آسمان بازنگشت و او در ما است (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۴۵۷). این تعبیر نشان می‌دهد که این روح غیر از جبرئیل است و حقیقتی در درون وجود پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) است که از پیامبر به امام و از هر امامی به امام بعدی منتقل شده، به وسیله این روح با عالم غیب ارتباط برقرار می‌کنند و از امور غیبی اطلاع پیدا می‌کنند.

۶. روایات سفر معراج برای مشاهده آیات بزرگ الهی

روایات بسیاری در این باره وارد شده است که از مشاهدات امور غیبی پیامبر (ص) را با کیفیات و بیانات مختلف سخن گفته‌اند، اینک قسمتی از این روایات نقل می‌شود:

روایت اول: در روایت صحیح از یونس بن عبدالرحمن نقل شده که گفت به حضرت موسی الکاظم (ع) عرض کردم: برای چه جهت و علتی بود که خداوند پیغمبر خود را به آسمان و از آنجا به سدره المنتهی و از آنجا به حجاب‌های نور برده و در آنجا با او سخن گفت و آن حضرت با خدا مناجات کرد؟ با این که خداوند را نمی‌توان بداشتن مکان وصف کرد، امام (ع) در پاسخ فرمود: برای خدا نمی‌توان مکانی تعیین کرد و زمان در خدا تأثیر ندارد و خدای تعالی خواست که ملائکه و ساکنان آسمان‌هایش را شرافت داده و با مشاهده آن حضرت مکرم شوند و نیز آن حضرت را به معراج برد تا به چشم خود صنایع و عجایب و عظمت خلقت الهی را مشاهده کند تا پس از بازگشت به زمین امت خود را از عجایب خلقت آسمان‌ها (و آنچه در آن‌ها است) خبر دهد. (صدوق، بی‌تا: ۱۳۱/۱)

روایت دوم: صدوق (ره) به سند خود از ثابت بن دینار که ابوحمره ثمالی است روایت کرده که گفت من از حضرت زین‌العابدین علی بن الحسین (ع) از خدای عزوجل پرسیدم که آیا: برای خداوند مکانی (مخصوص و معین) وصف می‌شود؟

حضرت فرمود: (خداوند بزرگتر از این است) عرض کردم: اگر خداوند به مکانی وصف نمی‌شود، پس چرا وقتی می‌خواست حضرت محمد (ص) را به خودش نزدیک کند او را به آسمان برد؟! مگر خدا در آسمان است؟ فرمود نه، آن حضرت را به آسمان برد که می‌خواست عوالم ملکوتی و واقعیت آسمان‌ها و آنچه که در آن‌هاست از عجایب خلقت و صنعت الهی برای او نشان دهد، پرسیدم: پس این که خدای تعالی می‌فرماید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» ۳ چه معنی دارد؟ رسول خدا به کجا نزدیک شد؟ فرمود: رسول خدا (ص) به حجاب‌های نوری نزدیک شد و از آنجا ملکوت آسمان‌ها را مشاهده کرد، آنگاه نزدیک‌تر نمود از طرف پائین ملکوت زمین را نگرید تا آنجا که پنداشت نزدیکی‌های زمین است که به قدر یک کمان و یا کمتر از آن فاصله نیست. خلاصه جمله «قاب قوسین او ادنی» به فاصله آن جناب با زمین است. (صدوق، بی‌تا: ۱۳۱ / ۱)

۲ - شوری / ۵۲. همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم.
۳ - نجم / ۸-۹. سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود.

روایت سوم: حدیثی با سند معتبر از ابن سنان نقل شده است که در ضمن آن گفته است: امام صادق (ع) در معنای «قَابَ قَوْسَيْنِ» فرمود: چون آن جناب، یعنی رسول خدا (ص)، نزدیک‌ترین خلایق به خدا بود و آن قدر نزدیک بود که در شب معراج وقتی به آسمان بالا می‌رفتند جبرئیل مرتب می‌گفت: جلوتر برو ای محمد، برو که در جایی قدم نهاده‌ای که نه هیچ ملکی مقرب قدم نهاده و نه هیچ رسولی مرسل؛ و معلوم است که اگر روح و جان آن حضرت نمونه‌ای از آن عالم نبود، هرگز نمی‌توانست به آنجا برسد و در نزدیکی به خدا به حدی رسید که خدای تعالی درباره‌اش فرمود: «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» یعنی بلکه کمتر از دو قوس. (قمی، ۱/ ۲۴۶)؛ بنابراین مجموع این آیات و روایات دیگر؛ (همان: ۱۸/ ۲۷۲ - ۴۱۰). از مشاهده رسول خدا (ص) از آیات عظمت خداوند در آسمان سخن می‌گویند او در این سفر با صحنه‌های تازه روبرو شد؛ با ارواح پیامبران و فرشتگان آسمانی سخن گفت از مرکز رحمت و عذاب و بهشت و دوزخ بازدید کرد و عرش اعظم و سدره‌المنتهی و کرسی و سایر عجایب ملکیه و ملکوتیه را دیده و از جمله عجایب در جایی است که جبرئیل با آن عظمت باز مانده است؛ تمام این مشاهدات چیزی جز ارتباط با عالم غیب نیست.

۷. اخبار غیبی پیامبر اکرم (ص)

رسول خدا در طول دوران نبوتش از حوادث و پیش‌آمدها در آینده دور و نزدیک خبر داده است، اخبار از این حوادث گاهی مربوط به مسائل و موضوعات حساس و سرنوشت‌ساز اسلام بوده و گاهی مربوط به موضوعات مهم دیگر غیر اصولی اسلام بوده است. اینک نمونه‌ای از این اخبار غیبی پیامبر اکرم (ص): پیامبر اکرم (ص) در اخبار متعدد از تعداد امامان و اسامی آن‌ها سخن فرموده است که این اخبار هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت آمده است. فقط یک روایت که شیخ صدوق در امالی آورده است نقل می‌شود:

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا ثُمَّ أَحْفَى صَوْتُهُ فَقُلْتُ لِأَبِي مَا الَّذِي أَحْفَى رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ (صدوق، ۱۳۶۲ ق: ۳۱۰). جابر بن سمره گوید: با پدرم نزد پیامبر (ص) بودم، از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود پس از من دوازده امیر باشد، سپس آوازش نهان شده به پدرم گفتم آهسته چه فرمود؟ گفت: همه آن‌ها از قریش می‌باشند. احادیث کثیری نیز دلالت می‌کنند که ائمه دوازده نفرند و رسول خدا (ص) تا امام حسین (ع) اسم برده و سپس فرموده: نه نفر دیگر از فرزندان حسین (ع) خواهند بود.

در کفایة الاثر آمده است: «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.» (خرزاق قمی، ۱۴۰۱ ق: ۱۹) عبدالله ابن عباس گوید از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود، من، علی، حسن، حسین و نه نفر از فرزندان حسین (ع) پاک و معصوم هستیم.

بنابراین، این احادیث با این کثرت بیانگر یک غیب‌گویی و اخبار از غیب رسول خدا (ص) است که تا حدود ۲۵۰ سال بعد از خود را بیان نموده است.

ابوسعید خدری نقل می‌کند: در حضور رسول خدا (ص) بودیم و او چیزی از غنایم جنگی را تقسیم می‌کرد، ذوالخویصره - مردی از بنی تمیم - آمد و گفت: ای رسول خدا، عادلانه تقسیم کن. پیامبر (ص) فرمود: وای بر تو! اگر من عادل نباشم پس چه کسی عادل است! اگر عدالت نوزم گمراه یا زیان‌کار گشته‌ام. عمر بن خطاب گفت: یا رسول الله، اجازه دهید گردن او را بزنم. پیامبر خدا (ص) فرمود: رهایش کن، این مرد یارانی خواهد داشت که هر يك از

شما نماز و روزه اش را در برابر نماز و روزه آنان ناچیز خواهید یافت. قرآن می خوانند اما از حنجره شان فراتر نمی رود، از دین چنان خارج می شوند که تیر از کمان می جهد. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۳۳۵/۳۳، حدیث ۵۷۹). رسول خدا (ص) در این حدیث از وضع ذوالخویصره و یاران او گزارش داد و آن ها سرگذشتی در فتنه خوارج دارند که در تاریخ معروف است. پیامبر اکرم (ص) از آینده تاریک امت آگاه بود و از پیدایش فرقه های پیمان شکن و ستمگر و مرتد، گزارش می داد. حدیثی با طرق متعددی از نبی مکرم (ص) روایت شده که آن حضرت فرمودند: «یا علی! إِنَّكَ تُقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ.» (صدوق، بی تا: ۲۲۲/۱) یا علی تو با پیمان شکنان، ستمگران و مرتدان نبرد خواهی نمود. امام رضا (ع) از پدران گرامی شان از حضرت علی (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: در ماه رمضان اشک در دیدگان پیامبر (ص) حلقه زده بود عرض کردم یا رسول الله! برای چه گریه می کنید؟ فرمود: یا علی (ع) گریه می کنم بر آنچه که در چنین ماهی خون تو حلال شمرده می شود، من می بینم در حالی که تو در حال نماز هستی، شقی ترین اولین و آخرین همتای پی کننده ناقه صالح از نظر سنگدلی، ضربتی بر سر تو فرود می آورد و محاسن تو را با خون سرت رنگین می کند... (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۹۰/۴۲)

روایتی با سندها و عبارات گوناگون از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که آن حضرت به عمار فرمود: «یا بن سمیه! تقتلك الفئة الباغية.» (راوندی، ۱۴۰۹ ق ۶۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۳۵۴/۲۲ و ۲۱/۳۳) ای پسر سمیه! تو را گروه ستمگر خواهد کشت. این خبر غیبی را آن چنان که پیامبر اسلام (ص) گزارش داده بود اتفاق افتاد؛ زیرا عمار در سن نودسالگی در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین (ع) به دست هواداران معاویه به شهادت رسید.

۸. روایات دال بر علم غیب پیامبر اکرم (ص) از منابع اهل تسنن

۸.۱. خبر دادن پیامبر اکرم (ص) از مرگ منافق در مدینه موقع بازگشت از جنگ تبوک

جابر می گوید: رسول خدا (ص) در بازگشت از سفر نزدیک مدینه بود که باد شدیدی برانگیخته شد، به طوری که نزدیک بود سواره را ناپدید نماید. در این هنگام پیامبر اکرم (ص) فکری نمود و فرمود: این باد برای مرگ منافق برانگیخته شد، وقتی به مدینه رسیدند منافق بزرگی از منافقین جان سپرد. (نیشابوری، ۱۴۲۰، ص ۱۱۷۸)

خبر دادن پیامبر اکرم (ص) از مرگ نجاشی و خواندن نماز میت بر او از راه دور از ابوهریره روایت است که گفت: پیامبر اکرم (ص) خبر مرگ نجاشی را در همان روز که مرده بود اعلام کرد و با یاران خویش به سوی مصلی رفت و آن ها را در صف ها قرار داد و سپس بر وی چهار تکبیر گفت. (بخاری، ۱۴۲۲، ص ۲۴۰)

۸.۲. خبر دادن رسول خدا (ص) از اتفاقات قبل از قیامت

اعمش از ابووائل نقل می کند که حذیفه گفت: همانا پیامبر (ص) برای ما خطبه خواند و چیزی را تا بر پا شدن قیامت باقی نگذاشت که از آن یاد نکرده باشد، کسی که آن را فراگرفت یاد گرفت و کسی که آن را فراموش کرد از یاد برد. من (موضوعاتی را که در آن خطبه بود) چیزهایی را می بینم که (اتفاق می افتد) ولی فراموش کرده بودم، پس آن ها را تشخیص می دهم همان طوری که از کسی چیزی یا فردی برای مدتی غایب می شود، با مشاهده آن را می شناسد. (

بخاری، ۱۴۲۲، ص ۱۱۷۱)

۸.۳. خبر دادن رسول خدا (ص) از رهبران فتنه تا انقضای دنیا:

حذیفه بن یمان گفته است: به خدا سوگند نمی دانم آیا یاران فراموش کرده اند یا خود را به فراموشی می زنند؟ قسم به خداوند پیامبر (ص) تمامی رهبران فتنه را با نام و نام پدر و اسم قبیله آنها تا انقضای قیامت که به سیصد نفر یا بیشتر می رسند بر ما شناساند. (سجستانی، بی تا، ج ۴۴، ص ۱۵۱۱)

اینها نمونه‌ای از خبر دادن رسول گرامی اسلام بر امور غیبی است و واقع شدن از اتفاقاتی که آن حضرت از آنها خبر داده است، آشکارترین دلیل بر آگاهی او از غیب است.

۹. خبرهای غیبی امامان معصوم (ع)

در نهج البلاغه در خطبه‌های متعددی اخبار غیبی از امیرالمؤمنین (ع) بیان شده است. در خطبه ۵۹ درباره هلاکت خوارج فرموده است:

«مَصَارِعُهُمْ دُونَ النَّطْفَةِ وَاللَّهِ لَا يَفْلِتُ مِنْهُمْ عَشْرَةٌ وَلَا يَهْلِكُ مِنْكُمْ عَشْرَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۹: ۴۸) کشتنگاه آنان این سوی نطفه است. به خدا که ده کس از آنان نرهد و از شما ده تن هلاک نشود. (از نطفه، آب نهر را خواهد و آن فصیح‌ترین کنایه از آب است هر چند آب بسیار باشد).

و در خطبه ۶۰ هنگامی که به امیرالمؤمنین (ع) عرض کردند: خوارج تار و مار شدند فرمود: «كَلَّا وَاللَّهِ إِنَّهُمْ نَطَفٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ قَرَارَاتِ النِّسَاءِ كُلَّمَا نَجِمَ مِنْهُمْ قَرْنٌ قُطِعَ حَتَّى يَكُونَ آخِرُهُمْ لُصُوصًا سَلَابِينَ.» (همان، خطبه ۶۰: ۴۸) هرگز به خدا که نطفه‌ها ایند در پشت‌های مردان و زهدان‌های مادران. هرگاه مهتری از آنان سر برآورد، از پایش دراندازد، چندان که آخر کار مال مردم ربایند و دست به دزدی یازند.

در اینجا به سرکوبی خوارج در حکومت‌های مختلف و نیز پایان کار آنها اشاره فرموده است و به گفته ابن ابی الحدید «این مسئله عیناً واقع شد، زیرا دعوت خوارج مضمحل گردید و مردان فعال آنها از بین رفتند و سرانجام اخلاف آنها دزدانی شدند متظاهر به فسق و فساد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷ ق: ۷۳/۵)

خبرهای غیبی فراوانی از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است از جمله؛ خبر دادن عدم وفای اهل کوفه به وعده‌ای که برای یاری آن حضرت داده بودند (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق: ۲۵/۴)، اخبار از عدم وفای معاویه به وعده‌اش برای جعده به تزویج فرزندش یزید بعد از مسموم نمودن آن حضرت به سمّ ارسالی معاویه (همان: ۲۸/۴)، خبر دادن از انقراض حکومت بنی امیه و ظهور دولت بنی عباس (همان: ۲۵/۴). امام حسن (ع) به اهل بیتش فرمود: من همانند رسول اکرم به وسیله سم کشته می شوم. (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۲۴۱/۱)

از جمله اخبار غیبی فراوان امام حسین (ع) عبارت‌اند از: اخبار از علامات ظهور و بیان صفات و رفتار و مدت حکومت حضرت مهدی (عج) (همان: ۱۱۵۳/۱، صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۳۱۷/۱؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش: ۱۵۴/۶) پیشگویی از شهادت فرزندان امام حسن (ع) در ساحل فرات (ابن طاووس، ۱۳۶۷ ش: ۵۸۱/۲) و غیر این موارد.

از اهم خبرهای غیبی امام حسین (ع) که زبان زد عام و خاص مردم است؛ اخبار از شهادت خودش است؛ ابن

قولویه با سند خود از طلحة بن زید از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) از امام سجاد (ع) از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود: «سوگند به آن خدایی که جانم در دست اوست! پادشاهی بنی امیه به پایان نمی‌رسد، مگر آن که مرا کشته باشند، آنان کشندگان من هستند...» (قمی، ۱۳۵۶ ش: ۷۴).

از اهم خبرهای غیبی امام سجاد (ع) نقل می‌کند که فرمود: گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغی زمانش را وادار می‌کند تا در امر ولی‌الله و غایب در حفظ الهی و موکل بر حرم پدرش تفتیش کند به خاطر جهلی که بر ولادت او دارد و حرصی که بر قتل او دارد اگر به او دست رسی یابد و طمع می‌کند که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند. ابو خالد کابلی می‌گوید: گفتم: یابن رسول‌الله! آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟ فرمود: به خدا سوگند واقع خواهد شد و آن در صحیفه‌ای که نزد ماست مکتوب است، صحیفه‌ای که در آن ذکر محنت‌هایی است که بر ما پس از رسول خدا جاری می‌شود. ابو خالد گوید: گفتم: یابن رسول‌الله! بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: آنگاه غیبت ولی خدا طولانی خواهد شد و دوازدهمین از اوصیای رسول خدا (ص) و ائمه پس از اوست. ای ابا خالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۱/۳۲۰).

ابی خالد کابلی در ضمن حدیثی از امام سجاد (ع) نقل می‌کند که فرمود: همانا در صلب ابن عباس، امانتی نهاده شده است که برای آتش دوزخ آفریده شده‌اند و به زودی گروه‌هایی را از دین دسته‌دسته بیرون خواهند نمود و روی زمین با خون‌های جوگانی از جوگان آل محمد رنگین خواهد شد جوگانی که زودرس و نابهنگام قیام خواهند کرد و بخواسته خودشان نخواهند رسید ولی افراد باایمان مراقب بوده و صبر نموده و یکدیگر را به صبر سفارش کنند تا خداوند حکم فرماید و او است بهترین حاکمان (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۹۹).

خبرهای غیبی فراوان از امام باقر (ع) نقل شده است؛ همچون خبر دادن درباره شهادت زید بن علی (ع) (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/۳۵۷)، اخبار از کشته شدن عبدالله بن حسن و برادرانش و فرزند او محمد و امان گرفتن فرزند دیگر او از سوی خلیفه عباسی (همان: ۳۶۴)، خبر دادن از قایم آل محمد و احوالش و علامات و خروجش (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۱/۳۲۷)، خبردار نمودن از بودن عبدالله بن عطا پشت در (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ۲/۱۳۹)، خبر دادن از مرگ دوستانش (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۲/۵۹۵)، اخبار از شهادت خودش (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/۲۶۰) و غیر این موارد که دو نمونه آن‌ها نقل می‌شود.

خبرهای غیبی زیادی از امام صادق (ع) درباره اخبار از ضمایر و بواطن افراد مثل خبر دادن از جنب بودن ابو بصیر موقع دخول او بر آن حضرت (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۲۲۶/۸؛ صدوق، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۸۸)، پاسخ به سؤالات بعضی افراد قبل از پرسش آن‌ها (صفار، ۱۴۰۴ ق: ۲۶۲، حدیث ۱. مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۲/۴۷)، گزارش عمل قبیح بعضی اشخاص (صدوق، ۱۴۰۴ ق: ۲/۵۸۴) و غیر این موارد نقل شده است.

از جمله خبرهای امام کاظم (ع) عبارت است از: اخبار از شهادت خود (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/۲۵۹) خبر دادن او از وفات پیروانش و مرگ معترض به افراد خانواده‌اش. (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۱/۳۱۰) و اخبار از اتفاقات واقعه بر فرزندش و

خبر دادن از صاحب فرزند شدن امام رضا (ع) از کنیزکی (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۳۱۵/۱، ح ۱۴).

خبرهای غیبی زیادی از امام رضا (ع) نقل شده است، از جمله؛ اخبار از کشته شدن جعفر برمکی به دست هارون (همان: ۴۸۸، ح ۵)، اخبار از قلب عبدالله بن مغیره بر واقفی بودن و هدایت شدن او (همان: ۳۵۵)، اخبار از شهادت خودش به سم توسط مأمون (صدوق، ۱۳۷۸ ق: ۲۰۲/۱) و خبر دادن از کشته شدن محمد بن هارون (امین) به دست مأمون (همان: ۲۰۹)، خبر دادن از صاحب تک‌فرزند شدنش و اخبار از شهادت (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۵۰) و غیره. امام جواد (ع) در موارد متعددی از قلب‌ها خبر داده است مثل خبر دادن امام جواد (ع) از سؤالی که یحیی بن اکثم قاضی می‌خواست پرسش کند (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۳۵۳)؛ و مانند پاسخ از سؤال عبدالعظیم حسنی قبل از پرسش کردن او (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۳۷۷/۱) و مثل اخبار از زیدی مذهب بودن مردی که چهل سال بین شیعیان مذهب خود را مخفی نموده بود. (حرعاملی، ۱۴۲۵ ق: ۴۰۵/۴) و غیر این‌ها.

اربلی نقل می‌کند وقتی مأمون به امام جواد (ع) نزدیک شد گفت: یا محمد! حضرت فرمود بلی، او گفت چه چیزی در دست من است؟ حضرت با الهام خداوندی فرمود، خدای تعالی به مشیت و اراده و قدرت خود ماهی‌های کوچکی در دریا خلق نموده که بازهای ملوک آن را شکار کنند تا خلفا به آن سلاله اهل بیت را امتحان نمایند، مأمون چون این کلام را از آن حضرت شنید تعجب کرد و به آن حضرت نگاه کرد و گفت: حقاً که تو فرزند امام رضا (ع) هستی (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ۳۴۴/۲).

خبرهای غیبی زیادی از امام هادی (ع) درباره خبر دادن از قلب‌ها؛ مثل اخبار از قلب ابی هاشم در مورد امامت امام حسن عسکری (ع) و برادرش (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۳۲۷/۱، ح ۱۰)، مانند خبر از سؤال اسحاق علوی عریضی (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ۳۰۵/۴، ح ۴)، مثل آگاهی از قلب مردی که در دل دعای امام از شر خلیفه می‌نمود. (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۳۹۲/۱) و اخبار از وفات اشخاص مثل خبر دادن از مرگ واثق خلیفه عباسی، (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۴۹۸/۱)، خبر مرگ متوکل عباسی (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۴۰۳/۱) و غیر این موارد نقل شده است.

خبرهای غیبی متعددی برای امام حسن عسکری (ع) نقل شده است. امام یازدهم شیعیان در موارد گوناگون از قلب‌ها خبر داده است؛ از جمله آن‌ها خبر دادن از ضمیر ابو هاشم و تشویق او به کارهای خیر (راوندی، ۱۴۰۹ ق: ۶۸۹/۲)، اخبار از نیت شخصی بنام ابی‌العیثاء (همان: ۴۴۵/۱)، گزارش از خطوط قلبی شخصی بنام اقرع (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۵۰۹/۱) و غیر این موارد.

گزارش‌های غیبی فراوانی از امام زمان (عج) برای حالات اشخاص همچون ابی سعید غانم هندی (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۵۱۷/۱)، قاسم بن علا (همان: ۵۱۹)، ابی عقیل نصر (همان: ۵۲۴) و غیر این‌ها وارد شده است، اما عمده خبرهای غیبی آن حضرت از اموالی که نزد عده‌ای از افراد بود که امام (عج) تمام آن‌ها را با مبالغ دقیق گزارش نموده است.

۱۰. نتیجه‌گیری

آنچه در اندیشه متکلمان درباره محدود علم غیب پیامبر و امام وجود دارد و پذیرفته شده است، این است که نباید علم امام و پیامبر را مانند علم خداوند بدانیم چون در این صورت ناچار به تأویل و توجیه برخی آیات خواهیم بود. بر

اساس روایات، پیامبران و ائمه (ع) و اولیا به مرتبه والا و سطحی از دانش و معرفت رسیده‌اند که به تعلیم الهی از طریق غیرمتعارف دانسته‌هایی را کسب کرده‌اند که جملگی خارج از قلمرو حس و کسب و توانایی انسان است؛ و در مقام اثبات و وقوع هم شواهد گوناگونی از آن‌ها در موارد مختلف از کتاب و سنت و تاریخ ذکر شده است که حاکی از احاطه غیبی آن‌ها است. بر اساس برخی از منابع اهل سنت علم غیب برای غیر خدا ثابت است برخی به واسطه وحی و عده‌ای به الهام و بعضی دیگر به تحدث و عده‌ای در تماس با لوح محفوظ و ... از امور غیبی خبر می‌دهند. بنا بر نظر علما و اندیشمندان شیعه با توجه به نقل علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) فوق علم بشر و تحت علم خالق دانست ولی در گستره آن اختلاف دارند.

۱۱. منابع

- نهج البلاغه، ابوالحسن محمد سید رضی، ۱۳۷۹ ش، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، هجده.
۱. ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد، ۱۴۰۷ ق، شرح نهج البلاغه، بیروت: انتشارات دار الجیل.
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۶۷ ش، *إقبال الأعمال*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم.
 ۳. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ ق، *کشف الغمّة*، تبریز: انتشارات مکتبه بنی هاشم.
 ۴. بخاری، محمد، ۱۴۲۲ ق، *صحیح بخاری*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعة*؛ قم: آل البیت (ع).
 ۷. خزاز قمی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ ق، *کفایة الاثر فی النصّ علی الأئمة الاثنی عشر*، قم: انتشارات بیدار.
 ۸. سجستانی، ابوداود سلیمان، بی تا، *سنن ابی داود*، بیروت: انتشارات دارالکتب العربی.
 ۹. راوندی قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، *الخرائج والجرائج*، قم: انتشارات مؤسسه امام مهدی (عج).
 ۱۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه، ۱۳۶۲ ق، *الامالی*، قم: انتشارات اسلامیه، چهارم.
 ۱۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه بی تا، *علل الشرائع*، قم: انتشارات مکتبه الداوری.
 ۱۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه، ۱۳۷۸ ق، *عیون اخبار رضا (ع)*، قم: انتشارات جهان.
 ۱۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه، ۱۳۹۵ ق، *کمال الدین*، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، دوم.
 ۱۴. صفار، محمد، ۱۴۰۴ ق، *بصائر الدرجات*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم.
 ۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵ ش، *تهذیب الاحکام*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چهارم.
 ۱۶. قمی، ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، *کامل الزیارات*، نجف اشرف: انتشارات مرتضویه.
 ۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ش، *تفسیر قمی*، قم: انتشارات مؤسسه دار الکتب سوم.
 ۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، *اصول الکافی*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چهارم.
 ۱۹. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ق *تشابه القرآن ومختلفه*، قم: دارالبیدار.
 ۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص)*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، دوم.
 ۲۱. نادم، محمد حسن، ۱۳۹۵ ش، *علم غیب از نگاه عقل و وحی*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
 ۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الانوار*، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.
 ۲۳. نعمانی، محمد، ۱۳۹۷ هـ ق *الغیبة*، تهران: انتشارات صدوق.
 ۲۴. نیشابوری، مسلم بن حجاج، ۱۴۲۰ ق، *صحیح مسلم*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.